

## نقش انجمنها در انقلاب مشروطیت

دکتر فاروق خرابی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

### چکیده

پس از اعلان مشروطیت ابتدا در شهر تبریز و سپس در اغلب شهرها (و نیز پاره‌ای از مناطق روستایی) انجمنهایی به نام انجمنهای رسمی و غیررسمی (آزاد) تأسیس شد. انجمنهای مزبور با اقبال بی‌سابقه مردم مواجه شده و در حوادث و جریانات دو سال نخستین عصر مشروطه نقش چشمگیری در حیات سیاسی و اجتماعی کشور ایفا کرد. مردم ایران که تا قبل از اعلان مشروطه فاقد حقوق سیاسی و اجتماعی بودند و رعایای سلطان مستبد بشمار می‌رفتند، با فعالیت در چهارچوب انجمنها و در حول و حوش آنها نخستین تجربه‌های خود را در زمینه مشارکت سیاسی و فعالیت سازمان یافته دستجمعی کسب کردند.

واژگان کلیدی: انجمن، انقلاب مشروطه، انجمن رسمی، انجمن ایالتی و ولایتی، انجمن غیررسمی (آزاد).

انقلاب مشروطیت ایران همانند سایر انقلابات بزرگ معاصر سبب ایجاد مجموعه‌ای از نهادها و ارگانهای دموکراتیک و انقلابی مانند قانون اساسی، مجلس شورا، مطبوعات آزاد و انجمنها شد که بی تردید باید آنها را مهمترین دستاوردهای این تحول بزرگ سیاسی و اجتماعی بدانیم.

روزنامه حبل‌المتین تهران به مناسبت نخستین سالگرد اعلان مشروطیت، در سرمقاله خود، تحت عنوان «جشن ملی» فهرستی از دستاوردهای مزبور به دست می‌دهد: «تشکیل مجلس شورای ملی و تعیین وکلا و مبعوثان ملت... موقوف شدن پیشکشی حکام ولایات، آزادی زبان و قلم، ازدیاد جراید و نوشتن مقالات سخت بدون هیچ پروا و ترس به قسمی که در آزادترین ممالک فرنگ معمول است، تشکیل انجمن‌های عمومی و خصوصی، سری و علنی، کثرت وجود ناطقین که به قوت بیان، ملت را به مصالح و مفاسد آگاه می‌سازند و نطق‌های مؤثر در کمال حریت و آزادی...» (حبل‌المتین ش ۷۵، ۱۹۰۷).

در این زمینه انجمنهای صدر مشروطیت نه تنها یکی از اصیل‌ترین و بدیع‌ترین پدیده‌های این دوره پرحادثه از تاریخ ایران، بلکه نشان‌دهنده گسترده‌گی ابعاد جنبش ضداستبدادی، آزادی‌خواهانه و انقلابی مردمی هستند که پس از گذراندن چند هزار سال در کابوس استبداد کهنسال ایرانی برای نخستین بار به صحنه مبارزات فعال سیاسی و اجتماعی کشانیده شده‌اند و به صورتی مستقیم و بلاواسطه تمایل آشکاری به مشارکت در حیات سیاسی و اجتماعی کشور از خود نشان می‌دهند.

طلوع انجمنها همزمان با مرحله آغازین گسترش نهضت ضداستبدادی و نخستین عقب‌نشینی دربار قاجار، یعنی صدور فرمان مشروطیت و شکست آنها در جریان کودتای ضدانقلابی محمدعلی شاه در تابستان ۱۲۸۷ (۱۹۰۸) را می‌توان به تعبیری به منزله نقطه عطفی در جنبش انقلابی مشروطیت و سرآغاز افول آن دانست.

به فاصله کوتاهی پس از تشکیل نخستین انجمن در شهر تبریز، مردم سایر شهرها نیز بدان تأسی جستند و شمار فراوانی انجمن در سرتاسر ایران تأسیس گردید و به زودی انجمنها به پدیده رایج در زندگی شهری ایران تبدیل شد. موضوع تأسیس انجمنها به شهرها محدود نماند و در برخی از قصبه‌ها و روستاها در آذربایجان و گیلان نیز انجمنهایی تشکیل شد.

به نوشته روزنامه حبل‌المتین تهران (شماره ۲۲۲ مورخ ۴ فوریه ۱۹۰۸) در سراسر ایران و نقاطی که ایرانیان در آن به سر می‌بردند، بیش از هزار انجمن تأسیس شد.

انجمنها علی‌رغم اهمیت‌شان، پس از گذشت قریب به یک قرن هنوز به طور جدی بررسی

و تحقیق نشده‌اند.

محققان و مورخان انقلاب مشروطیت نیز در آثار خود کمتر به انجمنها پرداخته و یا به عبارت دیگر آن را به مثابه پدیده‌ای جنبی بررسی کرده‌اند. اغلب، اظهارنظرها در این زمینه متأثر از شکست نهضت آزادی خواهی ایران بوده و پاره‌ای از نویسندگان انجمنها و افراطی‌اعضای آنها را عاملی مؤثر در شکست جنبش مشروطیت قلمداد کرده‌اند.

به هر حال بررسی مستند انجمنها با اتکا به اسناد و مدارک اصیل ضروری است. چنین پژوهشی می‌تواند زوایای تاریک بسیاری را روشن و ابهامات موجود را برطرف کند.\*

پیدایش خودجوش (و بدون نقشه و برنامه) انجمنها و اقبال بی‌سابقه مردم ایران به آنها شاهی انکارناپذیر از عزم آنها به دخالت در سرنوشت خود و مشارکت در امر اداره کشور است. در شرایط فقدان هرگونه سنت دموکراسی و نبود احزاب و جمعیت‌های سیاسی و سازمانهای صنفی و گروهی، انجمنها در واقع بلاواسطه‌ترین و ساده‌ترین اشکال محافل و مجامعی بودند که افراد می‌توانستند در آن به بحث و گفتگو و تبادل نظر پیرامون مسائل جامعه پردازند و به صورت سازمان یافته در تعیین سرنوشت سیاسی کشور فعالانه مداخله کنند.

انجمنهای صدر مشروطه، اعم از انجمنهای رسمی (انجمنهای ایالتی و ولایتی) و انجمنهای غیررسمی، عملاً به حیطة‌ای برای پرورش سیاسی تبدیل شدند و از این لحاظ نقش ارزنده‌ای را ایفا کردند. از این رو می‌توان انجمنهای صدر مشروطیت را مکتبی برای تربیت کادرهای سیاسی و پیش درآمد احزاب و جمعیت‌های سیاسی بعدی تلقی کرد.

### چگونگی پیدایش انجمنهای عصر مشروطیت

پس از آنکه مظفرالدین شاه در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هـ. ق. فرمان مشروطیت را صادر کرد. ولیعهد او، محمدعلی میرزا که طبق سنت رایج عصر قاجارها مقام فرمانفرمایی آذربایجان، یعنی مهمترین ایالت ایران را داشت، همانند سایر حکام در بادی امر از انتشار فرمان مشروطیت جلوگیری کرد. گروههایی از مردم که به صورت غیرمستقیم از حوادث تهران اطلاع پیدا کرده بودند در کنسولگری انگلیس در تبریز و در مسجد مجاور آن متحصن شدند و دامنه اعتراضها بالا

\*. در این بررسی فعالیت انجمنها صرفاً تا کودتای محمدعلیشاه در ژوئن ۱۹۰۸ مورد نظر بوده است. پس از پیروزی مشروطه‌خواهان در تابستان ۱۹۰۹ انجمنهای سیاسی جای خرد را به احزاب سیاسی دادند، و پاره‌ای انجمنهای ایالتی و ولایتی که مجدداً تشکیل شدند از حیث نفوذ و کارآیی قابل مقایسه با انجمنهای پیشین نبودند.

گرفت و سرانجام کار به تعطیل عمومی کشید. خطیبان و سخنرانان ده روز تمام به افشای حکومت استبدادی و مفساد آن پرداختند و سعی کردند مردم را با حقوق خود آشنا سازند. ولیعهد که خود را قادر به مقابله با مردم نمی‌دید ناچار تسلیم شد و شاه با ارسال تلگرامی مفاد فرمان مشروطه و اجرای آن را در آذربایجان تأیید کرد.

به فاصله کوتاهی پس از صدور فرمان مزبور، انجمن نظارت متشکل از نمایندگان «طبقات شش‌گانه» جهت برگزاری انتخابات تشکیل گردید.

انجمن نظارت مزبور از بدو تشکیل به کانونی برای گردآمدن آزادی‌خواهان و مخالفان حکومت استبدادی تبدیل شد و به زودی به صورت مرجع تظلمات اهالی درآمد. پس از پایان کار انتخابات، محمدعلی میرزا دستور انحلال آن را صادر کرد و لیکن مردم تبریز که در وجود انجمن ملجأ و مرکزی جهت نیل به خواسته‌های خود یافته بودند، در مقابل دستور انحلال آن مقاومت کردند و به زودی شورش عمومی همه شهر را فراگرفت. ولیعهد که با مقاومت سرسختانه اهالی روبه‌رو بود و نیروهای نظامی قابل اعتمادی در اختیار نداشت، ناچار به عقب‌نشینی گردید و فرمانی به شرح زیر صادر کرد:

«انجمن ملی تبریز کمافی‌السابق برقرار بوده و یک نفر مأمور به تصدیق اجزاء انجمن از جانب حضرت اقدس معین و در انجمن حاضر خواهد شد که اعضاء انجمن در امورات جزئی و کلی هرچه حکم نموده‌اند به موقع اجراء گذارده و کارگزاران حضرت والا را در اجراء تمام احکامات انجمن ملی تقویت خواهند نمود» (کسروی ۱۳۴۰، ص ۱۷۵).

بدین ترتیب «انجمن» رسمیت یافت و موجودیت آن عملاً تثبیت گردید. مورد تبریز به زودی در سرتاسر کشور به صورت سرمشق درآمد و در تمامی شهرهای بزرگ و پاره‌ای از شهرهای کوچک انجمنهایی تأسیس گردید. در دو ایالت آذربایجان و گیلان، در برخی از مناطق روستایی، نیز انجمنهایی پدید آمدند (افشار ۱۳۴۹، صص ۳۴۰ - ۳۳۹). با توجه به این واقعیت که تشکیل انجمنها در نواحی روستایی به مناطق معینی از کشور محدود بود باید نوشته مجدالاسلام کرمانی، یکی از منتقدان انجمنها، را در مورد اینکه «ایجاد انجمنها به تمام دهات هم سرایت کرده و در هر قریه که صد خانوار جمعیت داشت دو سه انجمن تشکیل شد» به دیده تردید نگریست (مجدالاسلام کرمانی ۱۳۵۱، ص ۵۲).

## انواع انجمن

در تقسیم‌بندی عمومی می‌توان انجمنهای صدر مشروطیت را به دو نوع انجمنهای رسمی و انجمنهای غیررسمی طبقه‌بندی کرد.

### الف. انجمنهای رسمی

انجمنهای رسمی به انجمنهایی اطلاق می‌شود که عهده‌دار وظیفه نمایندگی اهالی منطقه‌ای از کشور و یا شهر معینی بوده‌اند:

۱. انجمنهای ایالتی

۲. انجمنهای ولایتی

۲-۱. انجمنهای ولایات مجزا

۲-۲. انجمنهای ولایات جزء ایالت

۳. انجمنهای قصبات، بلوکات و دهات

۴. انجمنهای بلدی (انجمن شهر)

### ب. انجمنهای غیررسمی

۱. انجمنهای سیاسی

۱-۱. انجمنهای صرفاً سیاسی (انجمن مظفری، سواد اعظم، انجمن گلستان، انجمن حقوق، انجمن حقیقت، انجمن مجاهدین رشت و بندرانزلی و قزوین...)

۱-۲. انجمنهای سیاسی با منشأ ولایتی (انجمن اتحادیه آذربایجان، انجمن همدانیها، انجمن کرمان، انجمن محال‌ثلاثه، انجمن خراسانیها، انجمن جنوب، انجمن اتحادیه لاریجان، انجمن اتحادیه ارومی، انجمن طبرستان...)

۱-۳. انجمنهای سیاسی اهالی یک محله یا منطقه شهری.

(انجمن برادران دروازه قزوین، انجمن شاه‌آباد، انجمن افتخاریه کوچه غریبان، انجمن برادران دروازه دولت، انجمن امامزاده صالح، انجمن اتفاق حسن‌آباد، انجمن قدسیه چاله میدان، انجمن شرافت سرچشمه، انجمن اتحادیه مسجد جامع، انجمن افتخاریه قنات‌آباد و...)

۱-۴. انجمنهای سیاسی با نام و عنوان مذهبی

انجمن انصار، انجمن اسلامی (تبریز) انجمن اخوت اسلامی، انجمن حسینی، انجمن سادات‌الحسینی، انجمن آل محمد، انجمن اثنی‌عشری، انجمن اتحادیه حسینی، انجمن مهدیه،

انجمن انصار حسینی و...)

۲. انجمنهای صنفی - سیاسی

انجمن طلاب، انجمن محصلین، انجمن کفابخانه، انجمن مستوفیان، انجمن اتحادیه لشکرنویسان، انجمن تجار، انجمن اتحادیه تلگراف، انجمن اداره گمرک، انجمن معمارخانه، انجمن اصناف، انجمن متحده صرافان، انجمن خیاطان، انجمن نجارها، انجمن زرگرها، انجمن کلانمدی‌ها، انجمن کوزه‌گرها، انجمن کلوپ نظامی و...)

۳. انجمن اقلیتهای فرهنگی و معنوی

(انجمن زرتشیان، انجمن اتحادیه آرامنه تبعه ایران، انجمن بنی اسرائیل، انجمن امداد آرامنه...)

۴. انجمنهای فرهنگی و معنوی

(انجمن فرهنگ، انجمن اخوت، انجمن صوفیان، انجمن درویشان و...)

۵. انجمنهای زنان

(انجمن نسوان منعقد در خانه ناظم دربار در محله سنگلج و انجمن زنان تبریز)

۶. انجمنهای بردگان

(انجمن سیاهان (تهران)، انجمن غلامان آزاد جیرفت.\*)

دو نکته را در اینجا باید متذکر شد اولاً برخی از انجمنها را به دشواری می‌توان در تقسیم‌بندی مزبور جای داد، ثانیاً کلیه انجمنهای ذکر شده در زمره انجمنهای مشروطه‌خواه محسوب نمی‌شدند بلکه برخی از آنها جایگاه فعالیت هواداران شاه و مخالفان مشروطه بودند (انجمن فتوت، انجمن آل محمد، انجمن اسلامیه...)

## انجمنهای رسمی

چنانکه اشاره شد پس از تثبیت انجمن ایالتی در سایر شهرهای بزرگ (مراکز ایالات و ولایات) مانند اصفهان، مشهد، رشت، کرمان، در دیگر شهرها نیز انجمنها تشکیل شد.

\*. در مود نام انجمنها ن. ک. به:

سیدمهدی موسوی ۱۳۶۷، صص ۶۴۳-۶۴۴ و اسماعیل راثین ۱۳۵۵، صص ۱۶۰-۱۵۷، محمداسماعیل رضوانی، اعلانها و اعلامیه‌های دوره قاجار در: بررسیهای تاریخی، خرداد - تیر ۱۳۴۹، صص ۲۹۲-۲۵۳؛ جبل‌المتین، ش ۱۳۲، ۱۵ اکتبر ۱۹۰۷ و نیز در بسیاری از شماره‌های دیگر آن و انجمن ش ۱۳۶، ۱۰ شعبان ۱۳۲۵.

تأسیس انجمنهای رسمی در نقاط مختلف در بادی امر با مقاومت حکام مواجه می‌گردید.\*

در مرحله آغازین، اغلب انجمنهای ایالتی و ولایتی همان انجمنهای نظارت بر انتخابات بودند که با نام جدید به فعالیت خود ادامه می‌دادند و به تعبیری می‌توان آنها را منتخب گروههایی از مردم دانست. به طوری که اشاره شد تشکیل انجمنها به مراکز ایالات و ولایات محدود نماند و دو استان شمالی در شهرهای کوچک و در قصبه‌ها و روستاها نیز انجمنهایی دایر شد.\*\*)

انجمنهای مزبور در شرایطی که رعایا ناراضی بودند، موجبات بروز اعتراضهای دهقانی را فراهم آورد. مشروطه‌خواهان تندرو در تشکیل انجمنهای مزبور و حمایت از دهقانان و خواسته‌های آنان نقش فعالی ایفا کردند.\*\*)

به هر حال در بسیاری از نقاط در دو استان مزبور، روستاییان از پرداخت عوارض جانبی تحمیلی و حتی بهره مالکانه خودداری ورزیده و عمال اربابان زمیندار را از روستا به بیرون راندند. در تعاقب، انجمن ایالتی تبریز طی مصوبه‌ای کلیه عوارض جانبی روستاییان را لغو کرد. انجمنهای ایالتی و ولایتی خود را نماینده مجلس شورای ملی می‌دانستند و تا اندازه‌ای حقانیت خود را از این منشأ کسب می‌کردند. آنها در عین حال در صدد تثبیت موجودیت خود به عنوان نهادی قانونی بودند. مجلس شورای ملی نیز که با اصل وجود انجمنها موافق بود به منظور تثبیت موقعیت انجمنهای رسمی، مشخص کردن حدود وظایف و اختیارات و اعمال نوعی کنترل بر آنها، در ۱۴ آوریل ۱۹۰۷ قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی را تصویب نمود (مذاکرات

\*. صور اسرافیل، ش ۱۶، ۱۷ شوال ۱۳۲۵ و ش ۲۷، ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۶، روزنامه جبل‌المتین ش ۴۶ سال اول، ۲۰ ژوئن ۱۹۰۷ در مقاله‌ای تحت عنوان «وقایع ماکو» می‌نویسد:

«اقبال السلطنه ماکوئی از اول با مجلس و انجمن مخالفت و ضدیت نمود، قدغن اکید کرده بود احدی در حدود ماکو اسم مشروطیت و انجمن را بر زبان جاری نساذه؛ جبل‌المتین ش ۲۵، ۲۷ مه، ۱۹۰۷ و ش ۹۱، ۱۵ اوت ۱۹۰۷. همچنین ن، ک، کسروی ۱۳۴۰، صص ۲۰۴-۲۰۳، جمعی از نویسندگان ۱۳۷۸، ص ۱۶).

\*\* انجمن، ش ۷۲، ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۵؛ همچنین ن. ک. روزنامه خیرالکلام ش ۱، ۲۴ جمادى‌الثانی ۱۳۲۵ و ش ۲، ۲۸ جمادى‌الثانی ۱۳۲۵ و ش ۳، ۲ رجب ۱۳۲۵ و ش ۵، ۱۷ رجب ۱۳۲۵.

\*\*\* سیدحسن تقی‌زاده، نماینده تبریز در دوره اول مجلس شورای ملی در این باره می‌گوید:

«میرزا جواد ناطق با سخنوری شورانگیزی همه جا رعیت را بر ضد ملاکین ارباب‌ها شورانیده و گفت شماها غلام ملاکین نیستید و نباید چیزی به آنها بدهید. زمین مال خود رعیت است به واسطه این فقره علم تازه برافراشته و تمام رعایا را با خود همراه ساخت. میرزا جواد همه این رعایا را بر ضد خوانین خود... شورانیده هزارها ده هزار مردم را با خود برانگیخته و کار را به جایی برسانید که خوانین... به خاک روسیه فرار کردند.» (افشار ۱۳۵۶،

مجلس، ۱۳۲۵، صص ۱۳۷ - ۱۳۳).

قانون مزبور مرتبط با تقسیم‌بندی منطقه‌ای کشور، دو نوع انجمن ایالتی و ولایتی را پیش‌بینی کرده بود. ایالت و ولایت به طور مجزا تعریف شده بود (فصل اول ماده ۱ و فصل ۴، ۱۱۵). «داشتن ملک یا خانه در آن ایالت و یا دادن مالیات مستقیم» برای انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان به عنوان شرط ذکر شده بود (فصل اول ماده ۶). زنان نیز در شمار مرتکبین جنحه و جنایت و ورشکستگان به تقصیر و اشخاص معروف به فساد عقیده و افراد خارج از رشد به طور وضوح از شرکت در انتخابات محروم شدند (فصل اول ماده ۷).

بعلاوه انتخاب‌شوندگان می‌بایست دارای سواد کامل فارسی و حداقل سی سال سن باشند. بدین ترتیب بی‌چیزان و زنان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم شده بودند.

انجمنهای ایالتی و ولایتی حق انشای قانون را دارا نبودند و در امور سیاسی نیز حق مذاکره نداشتند. در توضیح امور سیاسی تصریح شده بود که «امور سیاسی عبارت از مسائلی است که راجع به اصول اداره قوانین اساسی مملکت و پلتیک دولت باشد.» (فصل دوم ماده‌های ۸۸ و ۱۰۳).

به طور کلی حق «نظارت در اجرای قوانین و رسیدگی و قرارداد در امور خاصه ایالت» از جمله وظایف انجمنها ذکر شده بود (فصل دوم ماده ۸۷). بعلاوه انجمن می‌توانست به «کلیه شکایاتی که از حکام ایالات و ولایات می‌رسید رسیدگی کند» (فصل دوم ماده ۸۹).

با توجه به اینکه تقسیم مناطق مختلف کشور به ایالات و ولایات از پیش با ابهاماتی توأم بود، علی‌رغم کوششی که در تعریف ایالت و ولایت در قانون مزبور به کار رفته بود تفسیرهای متفاوتی از متن آن به عمل می‌آمد. از جمله منازعه شدیدی بر سر ایالت بودن یا ولایت بودن گیلان میان دو جناح میانه‌رو و تندرو مشروطه‌خواهان درگرفت. اکثریت میانه‌رو انجمن رشت موافق ولایت محسوب داشتن گیلان بودند. در چنین صورتی عملاً انجمنهای شهرهای کوچک برچیده شده بود و یا اینکه رسمیت خود را از دست می‌دادند.

در مقابل آنها جناح تندروان مشروطه‌خواه که در انجمنهای شهرهای کوچک و نیز در انجمنهای سیاسی (بویژه در اتحادیه انجمنهای عباسی) فعالیت داشتند، خواهان ایالت محسوب داشتن گیلان بودند. علت مخالفت اکثریت محافظه‌کار انجمن رشت با انجمنهای شهرهای کوچک و روستاها ظاهراً هراس از جنبش دهقانی بود.\*

\*. نوشته‌ای که تحت عنوان «مکتوبات رشت» در ش ۱۴۶ مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۰۷ ررنامه جیل‌المتین به چاپ رسیده گویای این واقعیت است که



پس از طرح مسأله در مجلس شورای ملی دو نفر (معاضداالسلطنه پیرنیا و محمدصافی خان) به عنوان نماینده مخصوص از طرف مجلس مأمور رسیدگی به مسأله شده و پس از بررسی، رأی به ولایت بودن گیلان دادند و این مسأله خود موجب بروز یک سلسله اعتراضات گردید.\*

اعطای حق نظارت به انجمنهای ایالتی و ولایتی عملاً امکان نوعی کنترل بر حکام و مأموران دولتی را میسر می‌ساخت. مضاف بر اینکه مقررات محدودکننده مندرج در قانون انجمنها را، در شرایط عینی موجود و در فضای انقلابی جامعه، در بسیاری موارد، عملاً انجمنهای مزبور نادیده می‌انگاشتند. پس از تصویب و اعلان قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی عملاً انجمنهای دهات و برخی انجمنهای شهرهای کوچک منحل گردید و یا اینکه به حالت انفعال درآمد. مجلس شورای ملی در ماه شعبان ۱۳۲۵ (مطابق با سپتامبر ۱۹۰۷) طی تلگرامی به حکام ولایات اعلان نمود که «مجلس غیر از انجمن ایالتی یا ولایتی و بلدی، سایر انجمنها را نمی‌شناسد و رسمیت ندارند اگر مطلبی است که آنها باید توسط حکومت یا انجمنهای ولایتی به مجلس مقدس رجوع نمایند آنهم اگر یأس از ادارات مرجوعه حاصل نمودند و غیر از انجمن ولایتی سایرین به هیچ وجه حق دخالت در امور انتظامی و حکومتی را ندارند.» (حبل‌المتین ش ۱۲۳، ۱۹۰۷)

انجمنهای ایالتی و ولایتی در دوره عمر نسبتاً کوتاه خود تقریباً همه جا به مرجع تظلم

ادامه پاورقی از صفحه قبل

وکلای انجمن ملی رشت خود در زمره مالکان اراضی بوده‌اند:

«... میانه ارباب و رعیت قرار داد صحیحی داده‌اند که از آن قرارداد هیچکس تخطی و تجاوز نداشته باشند. من جمله قراردادها که به خود وکلای انجمن ضرر کلی و فاحش داشت و قانون کردند این است که پنج قونی برنج در بیست و پنج من شاه از رعیت مال‌الاجاره، بگیرند حال آنکه سابق همین پنج قونی را از ۲۶ من شاه الی ۳۲ من شاه را از رعایا می‌گرفتند و رعایا را به اجبار در سر ملک خود نگاه می‌داشتند... امیدوارم تا آخر همان طور اقدامات مجدانه و بذل توجهی بفرمایند بلکه اهالی از شر انجمنهای دهات خلاص بشوند که هر ده برای خودش انجمن درست کرده هیچ‌کس را قبول نمی‌کردند و رشته دادوستد و زراعت تمام گسیخته می‌شد.»

\*. منازعه بر سر ایالات یا ولایت بودن گیلان به مجلس کشیده شد و پس از دو جلسه بحث و اظهار نظر سرانجام مجلس با اکثریتی قاطع (۷۲ رأی موافق، ۶ رأی مخالف و ۲ رأی ممتنع) رأی به ولایت بودن گیلان داد. بدین ترتیب انجمنهای شهرهای دیگر گیلان زمینه قانونی موجودیت خود را از دست دادند، و می‌بایست برچیده شوند. این امر اعتراضهای فراوانی را در گیلان و نیز مازندران موجب گردید و موضوع مجدداً در جلسه مورخه دهم شعبان ۱۳۲۵ مجلس به بحث گذاشته شد و با اکثریت آرا تصویب شد که تنها آذربایجان، فارس، کرمان و خراسان ایالت و مابقی ولایت محسوب شوند.

شریف‌العلماء لنگرودی طی مقاله‌ای که تحت عنوان «مکتوب با امضاء از شمیران» که به صورت سرمقاله روزنامه حبل‌المتین به چاپ رسید

برخی از ایرادهای اصولی به مصوبه مجلس شورای ملی را بیان کرده است (حبل‌المتین، ش ۱۱۱، ۱۹۰۷)

در مورد اعتراضها، ن، ک ب: حبل‌المتین ش ۹۴ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۱۱۳ و خیرالکلام ش ۵، ۱۳۲۵ هـ - ق.

اهالی تبدیل شده و با عوامل استبداد و قدرتمندان و گردنکشان محلی در حال معارضا بودند. در حالی که در پاره‌ای موارد (انجمن ایالتی آذربایجان) به طور عملی قدرت اجرایی را به دست گرفته بودند در موارد بیشتری در قدرت حاکمه شریک شده و مأموران دولت بدون جلب رضایت و موافقت آنها قادر به انجام کار مؤثری نبودند.

در جریان رویارویی‌هایی که با شاه و دربار و سایر هواداران نظام استبدادی پیش می‌آمد، انجمنهای رسمی معمولاً در مقایسه با مجلس شورا مواضع انقلابیتری اتخاذ می‌نمودند، هرچند که در مواردی این موضع‌گیری بیشتر جنبه مجازی و نمایشی داشت (کسروی، همان، صص ۲۶۶-۲۶۵).

با این همه هیچ‌گاه انجمنهای مزبور اعتبار و مرجعیت مجلس را نادیده نگرفتند. از حیث اعتبار سیاسی و قدرت عملی و خصلت دموکراتیک، تفاوت‌های آشکاری در میان انجمنهای رسمی نقاط مختلف کشور به چشم می‌خورد. در میان انجمنهای ایالتی و ولایتی، انجمن تبریز (انجمن ایالتی آذربایجان) دارای جایگاه ویژه‌ای است.

در برخی از مناطق جنوبی کشور انجمنها نتوانستند از تأثیر و نفوذ گروه‌های قدرت برکنار بمانند. اوضاع و احوال مشخص اجتماعی و حضور قدرتمند ایلات و عشایر مسلح و نفوذ بزرگ مالکان و دیگران عملاً جنبش توده مردم شهری را با موانعی آشکار روبرو می‌کرد.

منازعات سنتی رقبای صاحب نفوذ، انجمنهای رسمی را به ابزاری در دست گروه‌های قدرت و یا به عبارت صحیح‌تر به حیطة‌ای برای ادامه منازعات دیرین آنها تبدیل می‌کرد.\*

انجمنهای رسمی، اعم از ایالتی و ولایتی و بلدی، بسته به میزان قدرت عملی، اعتبار و مقبولیت در محل و حمایت اجتماعی، در امور سیاسی و اجتماعی به مداخله می‌پرداختند. هرچند در مورد وسعت و دامنه مداخلات انجمنها در امور کشور، در تمامی موارد اطلاعات دقیقی در دست نیست، با این همه پاره‌ای شواهد موجود در مورد فعالیت‌های برخی از آنها تصویر گویایی در این زمینه به دست می‌دهد. در شهر تبریز ادارات دولتی، پست و تلگراف و اسلحه‌خانه عملاً در اختیار انجمن قرار داشت. رئیس پلیس و بیگلربیگی با نظر انجمن انتخاب شده بودند. انجمن تبریز با مداخله مستقیم در امر تأمین نان اهالی، که به علت رواج احتکار غلات از جمله مسائل حاد مردم شهری به شمار می‌رفت، نقش فعال داشت. قرار انجمن در لغو عوارض جانبی گرفته شده از دهقانان (هرچند تحت فشار وضعیت انفجاری پدید آمده در

\* درباره نفوذ قوام‌الملک شیرازی و سایر منتقدین در انجمنهای فارس، ن، ک: ابوالحسن بزرگ امید ۱۳۳۶، صص ۱۷۱-۱۷۰، درباره نفوذ روحانیون در انجمن ولایتی اصفهان و نیز انجمن ایالتی خراسان. ن. ک به: A.K.S. Lampton. 1969.

روستاهای آذربایجان صورت پذیرفت) در نوع خود اقدامی جسورانه محسوب می‌شود. تلگرام انجمن تبریز در پذیرفتن فرمانفرما، که به سمت حاکم آذربایجان تعیین شده بود، عزل میرزا آقا اصفهانی نماینده فرصت طلب تبریز از وکالت مجلس شورای ملی، ارسال تلگرام در مورد خلع محمدعلی شاه از سلطنت به جرم نقض سوگند به قرآن مجید به تمام ایران در جریان کودتای توپخانه و تلگرام تهدید نظامیان آذربایجانی مقیم تهران به منظور ممانعت از اقدام آنها در سرکوب مجلس و مشروطه، نشانه‌هایی از دخالت آشکار این انجمن در امور اجرایی منطقه‌ای و ملی (کشوری) است.

اقدامات انجمن ولایتی گیلان در مورد مسأله آب و آبیاری و تصویب کاهش بهره و عوارض مالکانه و جلوگیری همین انجمن و نیز انجمن ولایتی بار فروش (بابل) از حمل برنج و شالی به روسیه، به منظور حمایت از مردم بومی، نمونه‌هایی از مداخلاتی است که اشاره شد. مداخله در امور اجرایی منحصر به انجمنهای بزرگ نبود. در شهر کوچک انزلی «انجمن ملی» دست به اقدامات بحث‌انگیزی زد و به صورتی فعال به مداخله در امور اجرایی پرداخت.\* انجمن مزبور ظاهراً در شرایط غلبه مشروطه‌خواهان تندرو در این شهر کوچک عرصه را بر مخالفان تنگ کرده بود. خبرنگار روزنامه حبل‌المتین در این باره می‌نویسد:

«... بلی مخالف در همه جا هست ولی در انزلی هر کس مخالف باشد فرصت نمی‌دهند و بیرون می‌کنند خواه مکلماً باشد خواه معمم خواه سیدقریشی باشد خواه غلام حبشی فرق نمی‌کند» (حبل‌المتین ش ۸۲، ۱۹۰۷).

به طور کلی حیطة مداخلات انجمنها عرصه وسیعی را شامل می‌شد. حداقل در دو مورد (تبریز و ارومیه) انجمن روزنامه را تعطیل می‌کند. در شهر تبریز حتی مدیر روزنامه تحت بازپرسی قرار گرفت و حکم به شلاق زدن وی داده شد.

نکته حائز اهمیت از نظر جامعه‌شناسی حساسیتی است که انجمنهای رسمی در زمینه مسائل مربوط به زندگی شهری، اعم از تخلفات واقعی و یا فرضی و نیز رسوم رایج، از خود نشان می‌دادند. در شهر تبریز تمامی میخانه‌ها تعطیل و از اجرای موسیقی جلوگیری شد و مجریان آن ناچار شدند حرفه‌های دیگری را در پیش گیرند. به عنوان «نشانه و اثر شهر اسلام» کلیه بازارها روزهای جمعه تعطیل و کسبه به استثنای بقال و قصاب و نانوا مجاز به فعالیت نبودند. بعلاوه انجمن آتش‌بازی سنتی را در این شهر ممنوع ساخت (حبل‌المتین ش ۱۷،

\* در مورد اقدامات انجمن انزلی ن. ک. به: روزنامه حبل‌المتین ش ۸۳، ۱۹۰۷؛ روزنامه حبل‌المتین ش ۲۵ و ۲۰ و ۱۶، ۱۹۰۷.

۱۹۰۷).

اقدام انجمن بلدی مشهد\* در تعطیل کردن قهوه‌خانه‌ها، اخذ تعهد از یهودیان اصفهان که به مسلمانان مشروبات الکلی نفروشند و انجام دادوستد کالاهای حرام تنها در فاصله ۸ میلی شهر نمونه دیگری در این زمینه است (لمبتون ۱۹۶۹، ص ۵۲).

با این احوال و علی‌رغم همه کاستیها انجمنهای رسمی با جلب مشارکت گروههایی از مردم، گامی عملی در جهت محدود نمودن استبداد سیاسی برداشتند و از این حیث می‌توان عملکرد آنها را مثبت ارزیابی کرد.

در جریان رویاروییهایی که میان انجمنهای رسمی و دشمنان حکومت مشروطه پیش می‌آمد، مردم ایران (به ویژه اقشار متوسط شهری) نخستین تجربه‌های سیاسی خود را کسب نمودند. آنها برای نخستین بار نسبت به قدرت و توانایی خود و نقشی که می‌توانند در سرنوشت خویش و جامعه ایفا نمایند، وقوف یافتند. انجمنهای ایالتی و ولایتی در یک دوره پراشوب، که قدرتمندان و گردنکشان محلی به تحریک و یا با تأیید شاه و دربار امنیت منطقه (شهر و روستا) را دستخوش تزلزل نموده بودند، گامهای مؤثری در جهت برقراری امنیت برداشتند.

برخی انجمنهای رسمی (تبریز، اصفهان، رشت و یزد) دارای روزنامه مخصوص خود بودند که تنها روزنامه انجمن تبریز و روزنامه انجمن اصفهان به مدت طولانی و به طور منظم انتشار یافته‌اند. روزنامه‌های مزبور که در حکم ارگان رسمی انجمن به شمار می‌رفتند حاوی مطالب بسیار جالبی می‌باشند. علاوه بر ثبت وقایع و حوادث، مقالات و مطالب مندرج در آنها تصویری از شرایط زمانه و شیوه تفکر و عمل و خواستها و آرزوها و وجه نظرهای محافل مشروطه‌خواه و گروههای اجتماعی (به ویژه لایه‌های فرهنگی) زمانه به دست می‌دهد. اندیشه آبادی و پیشرفت کشور و توسعه صنعت و تجارت در جراید مذکور و نیز سایر مکتوبات عصر موردنظر، انعکاس یافته است.

انجمنهای رسمی با وجود شرایط انقلابی و استثنایی حاکم از حمایت و تشویق صنعت و تجارت غافل نبوده‌اند (افشار ۱۳۷۸، ص ۲۵۲).

معاصران از انجمنهای ایالتی و ولایتی و چگونگی و کیفیت تشکیل و نیز عملکرد آنها به شیوه‌ها و دیدگاههای گوناگون انتقاد کرده‌اند. مجدالاسلام کرمانی تشکیل انجمنهای ایالتی و

ولایتی و تأیید آنها را از ناحیهٔ مجلس و تصویب قانون مربوط به آن را منفی ارزیابی کرده است (مجدالاسلام کرمانی، همان، ص ۳۶-۳۵).

احتشام السلطنه رئیس مجلس شورای ملی که با فشار انجمنهای سیاسی تندرو و برخی رهبران روحانی مجبور به استعفا از سمت خود شد در خاطرات خود، با اشاره به موضوع انجمنهای ایالتی و ولایتی، می‌نویسد:

«حدود اختیارات هیچکس از ولات و حکام تا مأمورین جزء و انجمنهایی که به نام ایالتی و ولایتی تشکیل شده نامعلوم است، در بسیاری از ایالات و حتی ولایات انجمنهایی به نام «انجمنهای ایالتی، یا ولایتی» دایر شده و کسانی که زودتر جنبیده‌اند اداره و مدیریت انجمن را به دست گرفته‌اند.

تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی که می‌توانست مایهٔ قوام و دوام رژیم مشروطه بشود و با انجام تکالیف قانونی خود نقص مشهود مشروطیت را که سرانجام موجب سرخوردگی مردم از مجلس شد رفع کند به کارهایی پرداخت که نه تنها خارج از تکالیف قانونی او بود بلکه بالفعل در تخریب آن اساس مقدس و ملی عاملی اصلی و مؤثر بود... انجمنهای ایالتی و ولایتی قوز بالا قوز شده و در بعضی نقاط وظایف قانونی مجلس را به عهده گرفته بودند و اعتنایی به مجلس نداشتند و از جمله در تبریز انجمن ایالتی را مجلس شورای آذربایجان می‌دانستند... انجمن ایالتی تبریز خود را مرجع انشاء قانون دانسته و مشکلات متعدد و روزمره درست می‌کردند» (موسوی ۱۳۶۷، صص ۵۹۴-۵۹۳).

مستشارالدوله نمایندهٔ تبریز در مجلس شورای ملی درنامهٔ مورخ ۱۷ جمادی الاول ۱۳۲۵ خطاب به ثقة الاسلام، نظر منفی خود را نسبت به برخی تمایلات تجزیه طلبانه در تبریز به صراحت بیان کرده است (فتحی ۱۳۵۲، ص ۱۸۷).

میرزا آقا فرشی نمایندهٔ دیگر تبریز طی نامهٔ مورخ دوم ربیع الاول ۱۳۲۶ خطاب به ثقة الاسلام به عملکرد انجمن تبریز ایرادهایی می‌گیرد که محتوای آن برخی تمایلات موجود در انجمن ایالتی آذربایجان را برملا می‌کند (همان، ص ۳۰۸).

### انجمنهای غیررسمی

به موازات تأسیس انجمنهای رسمی، شمار فراوانی از انجمنهای غیررسمی با انجمنهای آزاد در تهران و سایر شهرهای ایران تشکیل شد. تاریخ دقیق تشکیل نخستین انجمنهای آزاد در

تهران و شهرستانها مشخص نیست. ظاهراً نخستین انجمنی که در تهران تشکیل شد انجمن طلاب بود (سالور - افشار ۱۳۷۷، ص ۱۸۲۸).

از انجمن مزبور نوشته‌ای تحت عنوان «استمداد از عموم علماء ایران» در دست است که در پایان ماه شوال سال ۱۳۲۴ هـ - ق انتشار یافته است. بدین ترتیب می‌توان مبدأ تشکیل انجمنهای آزاد را در تهران حداکثر چهار ماه پس از اعلان مشروطیت مفروض داشت\* (ناظم‌الاسلام ۱۳۶۱، ج ۲، صص ۱۷ - ۱۴).

در همین زمان محافل سری مشروطه‌خواهان نیز ضرورت آغاز فعالیت علنی را دریافته بودند. در یکی از محافل مزبور درباره تشکیل انجمنهای علنی مکرراً به بحث می‌پرداختند و تصمیماتی نیز گرفته می‌شد (همان، صص ۸۰ و ۹۶ و ۹۹).

جریان تأسیس انجمنهای آزاد در شهرها به صورت روندی توقف‌ناپذیر درآمد و در تمامی دوره دو ساله مشروطه اول (تا کودتای تابستان ۱۹۰۸ محمدعلی شاه) تداوم یافت.

در منابع موجود درباره شمار انجمنهای تهران ارقام متفاوتی ذکر گردیده است و بالاترین رقم عدد دویست می‌باشد. فراوانی تعداد انجمنها منحصر به شهر تهران نبود. در شهر تبریز در هر محله انجمنی دایر گردید (امیر خیزی ۱۳۵۶، ص ۳۱).

مطابق شواهد موجود در اصفهان ۴۰، در کاشان ۱۴، در رشت ۱۳، در کرمانشاه ۱۰، در قم ۱۰، در بارفروش (بابل) ۷، در مشهد ۸ و در قزوین ۵ انجمن آزاد وجود داشت.

در مورد شهرهای یزد و عراق (اراک) به تشکیل چند انجمن اشاره شده است.\*\*

شمار بالای انجمنها ناظران و نیز مورخان را به تأمل واداشته است.

نویسنده روزنامه روح‌القدس هدف از تشکیل انجمنها را دفاع از آزادی و مشروطه‌خوانده

\*. همین مؤلف ذیل یادداشت روز ۲۷ شوال ۱۳۲۵ می‌نویسد:

«بعضی انجمنهای سری و علنی در تهران تشکیل شده و خوب هم کار می‌کنند»، ن. ک به: ناظم‌الاسلام کرمانی ج ۲، ۱۳۶۱، ص ۲۰

\*\* به عبارت دیگر ارقام ذکر شده شامل آن تعداد از انجمنها است که نام آن در منابع آمده است.

در مورد شمار انجمنها در اصفهان: مجلس ش ۴۸، ۱۹۰۸.

" " " " " کاشان: تمدن، ش ۸۰، ۱۹۰۸.

" " " " " تبریز: ذکاء ۱۳۷۷، ص ۲۲۳.

" " " " " در رشت: رایینو ۱۳۶۱، ص ۷۴-۷۳.

" " " " " قم: جبل‌المتین، ش ۳۵ و ۳۳ و ۳۱، ۱۹۰۸.

" " " " " کرمانشاه: جبل‌المتین، ش ۱۹۷، ۱۹۰۷.

" " " " " قزوین: گلریز ۱۳۶۸، ص ۹۰۴.

" " " " " مشهد: جبل‌المتین، ش ۱۷۸، ۱۹۰۷.

است (روح‌القدس ش ۱، ۱۳۲۵ هـ - ق.).

ظاهراً تشکیل انجمنها در این زمان به صورت رسم زمانه (مُد) درآمد بود. مجدالاسلام کرمانی در این زمینه تعبیر جالبی دارد و خاطر نشان می‌سازد که «طبیعت مردم ایران همیشه مایل به تقلید بوده» است و از این رو است که «در خود تهران هم تمام طبقات انجمن دایر کردند، حتی فراش‌ها و مطرب‌ها» (مجدالاسلام کرمانی، همان، ص ۴۳).

احمد کسروی نیز از دیدگاه یک مورخ، شمار فراوان انجمنهای غیررسمی را منفی ارزیابی می‌کند و تعبیر مشابهی به دست می‌دهد (کسروی ۱۳۴۰، صص ۲۶۵ و ۵۶۹ و ۵۷۰). برخی دیگر از نویسندگان و متصدیان اغراض شخصی و گروهی و دستیابی به اهداف سودجویانه را انگیزه تشکیل انجمنها قلمداد نموده‌اند\* (تفضلی ۱۳۶۲، ص ۲۳۹).

در توضیح علت فراوانی انجمنهای آزاد در شهر تهران از جمله شاید بتوان به شرایط مساعد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این شهر (در مقایسه با سایر شهرهای ایران) اشاره کرد. تهران پایتخت و مرکز ثقل سیاست کشور و محل تشکیل پارلمان بود و بعلاوه وجود لایه‌های فرهنگی اقشار متوسط و بالاتر بودن نسبی سطح آگاهی سیاسی نیز در جریان پیدایش انجمنها و شمار بالای آن مؤثر واقع شده‌اند.

در واقع فعال‌ترین و کارآمدترین انجمنهای آزاد در شهر تهران انجمنهایی بود که اغلب لایحه‌ها و عریضه‌های تقدیم شده به مجلس را امضاء می‌کردند و در تحصن‌ها شرکت داشتند. شمار این دسته از انجمنها از رقم پنجاه تجاوز نمی‌کرد (فتحی، همان، ص ۲۴).

در حالی که برخی از انجمنها مانند انجمن فرهنگ، انجمن اتحادیه آذربایجان، انجمن الهی و... به ابتکار فردی تشکیل شد، در تأسیس شمار دیگری از انجمنها ظاهراً تصمیم و اقدام گروهی مؤثر واقع گردید. مانند انجمن مظفری که نوکران سابق مظفرالدین شاه آن را تشکیل دادند و یا انجمن حقیقت تبریز که نام مؤسسان آن در کتاب امیر خیزی آمده است (امیر خیزی، همان، ص ۳۱).

شماری از انجمنها دارای «نظامنامه» بودند و ظاهراً وجود آن برای انجمن ضروری شمرده می‌شد (سالور - افشار، همان، ص ۲۰۳۳).

در انجمنهای بزرگتر چنانچه نظامنامه نداشتند، پس از اینکه شروع به فعالیت کردند ضرورت تدوین آن مطرح گردید. در انجمن اتحادیه آذربایجان دوازده نفر برای تهیه نظامنامه

انتخاب شدند و پس از تدوین آن ناظم انجمن طی اعلان رسمی در روزنامه اعضا را برای شرکت در جلسه‌ای، به منظور قرائت نظامنامه و تصویب آن، فراخواند (جبل‌المتین ش ۱۷۶، ۱۹۰۷). رئیس انجمن در پاره‌ای موارد همان فرد مؤسس بود که مدیر یا ناظم نامیده می‌شد و در موارد دیگری مانند انجمن اتحادیه آذربایجان رئیس انجمن با آرای اعضا انتخاب می‌شد (جبل‌المتین ش ۱۳۱، ۱۹۰۷).

در بسیاری از انجمنها به ویژه انجمنهای بزرگ تهران اعضا دارای برگه عضویت (باصطلاح کارت عضویت) بودند که بلیت نامیده می‌شد. برخی از انجمنهای بزرگ با چاپ اعلان در جراید آمادگی خود را برای پذیرش اعضای جدید اعلام می‌داشتند.\*

اطلاعات پراکنده‌ای که درباره تعداد اعضای انجمنها وجود دارد، عمدتاً مربوط به انجمنهای تهران است. به نوشته روزنامه تمدن انجمن محمدیه تهران دارای چهار هزار نفر عضو بود (تمدن ش ۳۰، ۱۳۲۵).

ملک‌زاده تعداد اعضای انجمن برادران دروازه قزوین را چند هزار نفر ذکر کرده است (ملک‌زاده، ۱۳۲۵، ص ۲۴۷).

در گزارش دیپلماتیک بریتانیا تعداد اعضای انجمن اتحادیه آذربایجان که ظاهراً بزرگترین انجمن تهران بوده ۲۹۶۲ نفر ذکر شده است (لمبتون، همان، ص ۴۷). گزارش دیگری حاکی است که انجمن مجاهدین قزوین، قبل از فروپاشی، بالغ بر ۵ هزار نفر عضو داشت (روح‌القدس ش ۹، ۱۳۲۵).

امیراعظم حاکم گیلان که از فعالیت انجمن ابوالفضلی (عباسی) جلوگیری به عمل آورده و سران و فعالان آن را سرکوب کرده در مکتوبی که برای روزنامه جبل‌المتین ارسال داشته اعضای انجمن مزبور را ۱۵ هزار نفر ذکر کرده است (جبل‌المتین ش ۱۱۷، ۱۹۰۷). همین روزنامه در شماره دیگری از وجود انجمنهایی با هزار و دو هزار عضو در تهران خبر می‌دهد (جبل‌المتین ش ۱۱۷، ۱۹۰۷). البته با توجه به اغراق‌گویی که در کشور ما رایج است باید ارقام مزبور را به دیده تردید بنگریم. با این حال شماری از انجمنهای بزرگ موفق شده بودند چند صد نفر را در صفوف خود متشکل نمایند. میرزا آقا فرشی نماینده تبریز در مجلس اول در نامه خصوصی به ثقة‌الاسلام، ضمن گزارش اوضاع سیاسی تهران، خاطر نشان می‌سازد که ۴۸ انجمن وابسته به



یکدیگر در تهران هر زمان قادر هستند ۴۰۰۰ هزار نفر را به گرد هم آوردند (فتحی، همان، ص ۲۴۰).

پاره‌ای از انجمنها نیز چیزی بیش از یک محفل کوچک نبودند (سالور - افشار، همان، صص ۱۹۳۷-۱۹۳۸).

در تهران شماری از مشروطه‌خواهان در انجمنهای متعددی عضویت داشتند. میرزا عبدالله کاوه از فعالان جامع آدمیت در مکتوبی که تحت عنوان «اخطار» در روزنامه حبل‌المتین (ش ۱۶۸، ۱۹۰۷) به چاپ رسیده آشکارا اعلام داشته که در ۲۵ انجمن قسم خورده است. انجمنهای فعال و بزرگ تهران بزودی از روی ضرورت و به منظور همکاری و ایجاد هماهنگی و ارتباط بین یکدیگر ارگان مشترکی تحت عنوان انجمن مرکزی پدید آوردند (مجدالاسلام کرمانی، همان، صص ۴۸ - ۴۷).

فعالیت در انجمنها شکل جدیدی از همکاری دستجمعی را مطرح کرد و جنبش مشروطیت ایران گروهها و لایه‌های اجتماعی متنوعی را به عرصه مشارکت سیاسی و اجتماعی کشانید. منازعه مداوم و فزاینده با شاه و دربار و هواداران رژیم کهن لزوم نزدیکی و همکاری میان مشروطه‌خواهان را هرچه بیشتر آشکار ساخت و موجبات فشرده‌تر شدن صفوف آنها را فراهم آورد. تشکیل انجمن رابطه که نقش ارگان مشترک و هماهنگ‌کننده میان انجمنها را داشت از همین مقوله ناشی شده است. اکنون در مسیر قطبی شدن جامعه شهری ایران، از نظر سیاسی، تعلقات طبقاتی، قومی و فرهنگی تحت الشعاع هدف و آرمان بزرگتر قرار گرفته بود. عین‌السلطنه در شرح مشاهدات خود در مسجد سپهسالار که مرکز تجمع مشروطه‌خواهان در جریان ماجرای کودتای نیمه‌کاره توپخانه بود، می‌نویسد: «... در مسجد سپهسالار جماعتی از سید، آخوند، فکلی و غیره نشسته بودند» (سالور - افشار، همان، ص ۱۸۴۹).

او صحنه دیگری از اجتماع مشروطه‌خواهان را چنین توصیف می‌کند: «دویست نفر فکلی، عمامه‌ای، کاسب، کلاهی تفنگ به دوش صف کشیده مشق نظام می‌کردند» (همان، ص ۱۸۸۰). وی در جای دیگر از حضور کلاه نم‌دی، کلاه پوستی و کلاه نظامی تفنگ به دست در کنار یکدیگر سخن می‌گوید (همان، ص ۲۰۴۱).

در گزارش روزنامه صبح صادق (ش ۴۷، ۱۳۲۶) انجمن یافت‌آباد، از برابری میان اعضا (مستخدمین، شاهزادگان، کسبه) سخن رفته است. وضعیت به گونه‌ای بود که حتی در انجمن سردارها نیز قرار گذاشته شد که «بعد از این مناصب بزرگ را به مردمان کوچک» ندهند و «حقوق سرباز را صاحب منصبان و لشکرنویسان نتوانند بخورند» (ندای وطن ش ۲۹، ۱۹۰۷).

انجمنها از شیوه‌های متنوعی برای تبلیغ و اشاعه نظریه‌ها و نیل به اهداف‌شان سود می‌جستند. اهم شیوه‌های مزبور عبارت بود از تشکیل گردهمایی، برگزاری جلسات سخنرانی و کنفرانس، روضه‌خوانی، تحصن دستجمعی در مجلس شورای ملی و یا مسجد و مدرسه سپهسالار که در مجاورت آن قرار داشت، و نیز تشکیل مجالس جشن به مناسبت‌های مختلف.\* انجمنها در دوره نسبتاً کوتاه حیات خود دست به فعالیتهایی در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متنوع زدند. از جمله مهمترین آنها عبارت است از تأسیس مدارس و تشکیل کلاسهای درسی آزاد برای بزرگسالان و سایر گروهها. در این زمان تأسیس مدارس جدید و تلاش برای سوادآموزی وظیفه‌ای ملی و اجتماعی تلقی می‌گردید. در تهران انجمن شاه‌آباد، انجمن اتفاق، انجمن خیریه بهارستان، مجمع قاجار و مجمع انسانیت هر یک مدرسه‌ای تأسیس نمودند.\*\*

طبق گزارشهای موجود انجمن آزاد لنگه، انجمن شرافت سبزوار و انجمن حقیقت ساری نیز اقدام به تأسیس مدرسه کردند. روزنامه ندای وطن در مقاله‌ای به انجمنهای تهران پیشنهاد کرد که در محل انجمنها مدرسه دائر نمایند تا فرزندان اعضا در همان مدارس به تحصیل مشغول شوند (ندای وطن ش ۱۰۸، ۱۹۰۷).

علاوه بر این انجمنها با چاپ اعلان در روزنامه‌ها از تشکیل کلاسهای درس اکابر خبر می‌دادند و هموطنان را به شرکت در آنها فرامی‌خواندند.\*\*\* انجمن مرکزی معلمین تهران نیز دست به ابتکار جالبی زد و کلاسی برای تربیت معلم ابتدایی دایر کرد (حبل‌المتین، ش ۳۹، ۱۹۰۸).

انجمن محصلین در تهران کنفرانس‌هایی برگزار می‌کرد. در روزنامه حبل‌المتین خبر برگزاری «کنفرانس نوظهور اخلاقی» در انجمن مذکور آمده است. یک کسی که در یکی از کنفرانس‌های انجمن محصلین، که در آن سخنران تاریخ ایران را نقد و بررسی می‌کرد، شرکت جست، توصیف جالبی از آن به دست داده است (سالور - افشار، همان، ص ۲۰۵).

طبق نوشته علی دیوسالار (سردار فاتح) یکی از مشروطه‌خواهان مازندران، انجمن

\*. در مورد روضه‌خوانی در انجمنها ن. ک:

فرید ۱۳۵۴ ص ۲۹۳، ذکاء ۱۳۷۷ صص ۲۰۵ و ۲۰۱، سعود سالور - ایرج افشار ۱۳۷۷ صص ۲۰۳۹، ۱۹۲۹.

\*\* ن. ک. به: صوراسرافیل ش ۱۸، ۱۳۲۵، صبح صادق، ش ۱۵۰، ۱۳۲۵، حبل‌المتین ش ۱۴۸، ۱۹۰۷.

\*\*\* ن. ک. به: مجلس، ۱۰۹ و ۱۰۳، ۱۹۰۸، حبل‌المتین ش ۲۰۱، ۱۹۰۸، سعود سالور - ایرج افشار ۱۳۷۷، ص ۱۹۰۲، صوراسرافیل ش

حقیقت ساری محلی را برای مطالعه روزنامه برای مردم ایجاد کرده بود (دیوسالار، بی تا، صص ۲۹-۳۰).

انجمن اتحادیه سعادت در تهران به چاپ کتاب همت گماشت (مجلس ش ۱۴۲، ۱۹۰۷).  
بعلاوه شواهدی هرچند مختصر از فعالیتهای اجتماعی انجمنها در دست است:  
- اقدام انجمن شاه آباد در زمینه تهیه تسهیلات شهری (بزرگ امید ۱۳۳۶، صص ۱۸۴ - ۱۸۳).

- اقدام انجمن نظافت در رسیدگی به وضعیت حمامها و جلوگیری از کار افراد زیر ۱۸ سال در آنها (تمدن ش ۴۵، ۱۳۲۵).

انجمنهای غیررسمی برای بیان خواستهها و نظریه‌هاشان لایحه، عریضه و یا دستخط تدوین و به مجلس شورای ملی و بعضاً مراجع دیگر تقدیم می‌کردند. در مطبوعات صدر مشروطه شمار نسبتاً قابل توجهی از این قبیل لوایح به چاپ رسیده است. نوشته‌های مزبور از این رو که دریچه‌ای بر جهان ذهنی فعالان انجمنها و افکار و اندیشه‌های رایج زمانه می‌گشاید، حائز اهمیت است.

انجمنهای غیررسمی در دوره حیات کوتاه خود تقریباً در همه امور مداخله می‌کردند. این امر در جریان دگرگونی عظیم سیاسی و فروپاشی نظام کهن و فقدان هرگونه تجربه سیاسی و اجتماعی فعالیت دستجمعی چندان عجیب نمی‌نماید. مداخلات انجمنها در امور اجرایی کشور مشکلاتی را پدید می‌آورد و به ویژه امنای دولت از این جریان به شدت ناراضی بودند (سالور - افشار، همان، ص ۲۰۰۶).

رئیس مجلس در جلسه علنی اظهار داشت که انجمنها نباید «در امورات حکومت مداخله نمایند و هر کاری دارند باید به مجلس رجوع نمایند» (مذاکرات مجلس، همان، ص ۳۶۲).  
مجدالاسلام کرمانی، در تاریخ انحطاط مجلس، شرحی از گستردگی حیطة مداخلات انجمنها به دست داده است (مجدالاسلام کرمانی، همان، ص ۴۲).

ظاهراً وکلا و پارلمان نیز از حیطة مداخلات انجمنها مصون نمانده بودند. این امر موجبات اعتراض نمایندگان را فراهم می‌آورد. یکی از وکلای مجلس در جلسه علنی صراحتاً از تهدید نمایندگان و تحت فشار قراردادن آنها سخن گفت و از رئیس مجلس تقاضا کرد که ترتیبی داده شود تا نمایندگان در اظهار عقاید خود آزاد باشند (مذاکرات مجلس، همان، ص ۲۸۷).

نماینده دیگری از اینکه «انجمن خبازخانه» او را احضار کرده بود، شکایت می‌کرد (همان، ص ۲۶۳).

انجمنها که در سایه مجلس شورای ملی به وجود آمده بودند خود را حامی مجلس می‌دانستند و براین حقیقت واقف بودند که بدون وجود مجلس ادامه حیات و فعالیت آنها متصور نیست. لذا با وجود انتقادهایی که به کار مجلس و برخی از وکلا داشتند، در تمامی بحرانهای سیاسی، از مجلس شورای ملی حمایت می‌کردند. مجلس نیز در مقابله با محمدعلی شاه و مستبدین به حمایت انجمنها نیاز داشت.

چنان که ملاحظه شد در مورد انجمنهای رسمی، مجلس با تصویب قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی سعی کرد حدود فعالیت آنها را مشخص نماید ولیکن در مورد انجمنهای غیررسمی بدین مهم توفیق نیافت.

در ۲۰ شوال ۱۳۲۵ (مطابق ۲۷ نوامبر ۱۹۰۷) محمدعلی شاه دستخطی صادر کرد و پس از ذکر آثار منفی مداخلات انجمنها، خواهان جلوگیری از فعالیت آنها، تا تنظیم نظامنامه (قانون) شد. مجلس در پاسخ به شاه با تصریح قانون اساسی بر آزادی اجتماعات تاکید کرد و اعلام داشت که قانون انجمنها نیز بزودی تنظیم خواهد شد. با این همه اقدامی عملی در این زمینه صورت نپذیرفت. مخالفت برخی از وکلا با تهیه قانون انجمنها و تاکید برخی دیگر بر نقش مثبت انجمنها در دفاع از آزادی و مشروطیت، در مدون و تصویب شدن قانون انجمنها بی‌تاثیر نبود (مذاکرات مجلس، همان، صص ۴۰۴-۳۹۸).

در ماه شوال ۱۳۲۵ (نوامبر ۱۹۰۷) انجمنهای مجتمع در مدرسه سپهسالار عریضه‌ای مشتمل بر سه تقاضا، که تقریباً نوعی اتمام حجت بود به مجلس تقدیم کردند و خواهان پاسخ مجلس شدند. خواسته‌های آنها عبارت بود از:

۱. اخذ وجوه تعهد شده از شاهزادگان و امرا و اعیان ظرف یک هفته و در صورتی که پرداخت نشود انجام امر به انجمنها محول گردد.

۲. تشکیل اردوهای ملی برای وصول مالیات.

۳. تأمین امنیت شهر تهران و یا محول نمودن آن به انجمنها.

مجلس پس از تشکر از انجمنها و اینکه دولت و مجلس به تقاضای آنها رسیدگی خواهند کرد، عملاً از قبول خواسته‌های مزبور و واگذاری وظایف قوای مقننه و مجریه به آنها خودداری ورزید. احتشام السلطنه رئیس مجلس که دارای منشاء اعیانی بود و از اساس با فعالیت انجمنها نظر موافقی نداشت، در یادداشت‌هایی که از او به جا مانده، ضمن قبول این موضوع که ثروت اعیان ایران از غارت و حیف و میل اموال و دارایی‌های عمومی به دست آمده دلایل مخالفت خود را با اعمال فشار به ثروتمندان و تبعات منفی آن - از جمله پناهنده شدن گروه مزبور به

سفارتخانه‌های دول بیگانه - و مخاطراتی که چنین اقداماتی را به دنبال می‌آورد، شرح داده است (موسوی ۱۳۶۷، ص ۶۰۸).

اختلاف میان احتشام السلطنه رئیس مجلس که با جدیت سیاست میانه روی را تعقیب می‌کرد با سید عبدالله بهبهانی یکی از دو رهبر روحانی جنبش مشروطه، زمینه را برای مخالفت آشکار انجمنهای تندرو با وی فراهم ساخت. در آغاز بهار سال ۱۹۰۸ پس از واکنشی که رئیس مجلس در قبال توهین یکی از فعالان انجمن برادران دروازه قزوین به یک نماینده مجلس نشان داد و دستور توقیف وی را صادر کرد، انجمنهای تندرو تهران اجتماع کردند و با صدور قطعنامه‌ای خواستار استعفای وی شدند. متن قطعنامه مزبور که به امضای نمایندگان پنجاه و پنج انجمن تهران رسیده بود، آشکارا لحنی تهدیدآمیز داشت و در آن از رئیس مجلس خواسته می‌شد که محترمانه استعفا دهد «والا ملت بتکالیف خود عمل خواهد نمود (همان، ص ۶۴۳). اقدام انجمنها در برکناری رئیس مجلس نقطه اوج مداخلات آنها در حیطة فعالیت قوه مقننه محسوب می‌گردد. در واپسین ماههای قبل از بمباران مجلس یکی از انجمنها با تقدیم لایحه‌ای به مجلس خواستار تشکیل هیأتی ۱۲ نفره از ملت و تشکیل وزارت خانه‌ها به طرز جدید و اعمال «نظارت تامه» و «مراقبت تامه» بر تمام دواير دولتی گردید (مذاکرات مجلس، همان، ص ۵۶۲).

پس از انجام سوء قصد به جان محمدعلی شاه، که به دست برخی مشروطه خواهان تندرو صورت گرفت، پلیس بعضی از افراد را که احتمال می‌داد در این قضیه دخالت دارند، دستگیر کرد. انجمنهای تهران با این استدلال که با بازداشت افراد، اصولی از قانون اساسی نقض گردیده است، به صورت جمعی اعتراض کردند (دولت‌آبادی، بی تا صص ۲۲۳ - ۲۲۲).

حیطة مداخلات انجمنها تنها به عرصه سیاست، که مواردی از آن ذکر گردید، محدود نمی‌شد. پاره‌ای از آنها حتی در زمینه مسائل مربوط به حقوق خصوصی افراد نیز مداخله می‌کردند.

ابوالحسن بزرگ امید که در همین دوره به شیراز سفر کرده بود از دخالت گسترده انجمنهای شیراز در امور اداری و قضایی سخن می‌گوید (بزرگ امید، همان، صص ۱۷۱ - ۱۷۰).

موضوع دیگر که درباره انجمنهای آزاد گفتنی است عبارت است از تشکیل «نظام ملی» یا «گاردناسیونال» که در ماههای پس از اعلان مشروطیت ارتش ایران دستخوش بحرانی مزمن بود، همانند سایر ارگانهای دولتی در معرض فروپاشی قرار گرفت. مخالفت شاه و دربار با نظام مشروطه و تجاوزات زورمندان محلی که گاه با تشویق و یا تأیید آنها صورت می‌پذیرفت،

وضعیتی بحرانی را به وجود آورده بود که از جمله پیامدهای آن وصول نکردن مالیاتها، تضعیف امنیت و ایجاد توقف در امر تجارت و فعالیتهای اقتصادی بود. اکنون ضرورت پدید آوردن نیروی نظامی جدید و وفادار به مشروطه، به عبارت دیگر (چنانکه در سایر انقلابات نیز مشاهده شده) یک ارتش ملی، هرچه بیشتر آشکار می‌گردید. در تبریز که گاهی گروههای مخفی و نیمه‌مخفی شبه سوسیال دموکراتیک در انجمن مجاهدین فعالیت داشتند، بزودی قضیه تسلیح مشروطه خواهان به طور جدی مطرح شد و شهر تبریز عملاً به یک سربازخانه مبدل گشت. در دیگر شهرهای آذربایجان و رشت و پاره‌ای از نقاط گیلان نیز کوشش‌هایی در این زمینه صورت گرفت.\*

در تهران نیز انجمنهای تندرو به تلاش‌هایی در این زمینه دست زدند. در شماری از انجمنها اعضا سلاح فراهم می‌کردند و به مشق نظامی می‌پرداختند. نویسنده روزنامه صبح صادق می‌نویسد که یک گروه دویست نفره در انجمن یافت‌آباد تهران سه ماه مشق نظامی کرده‌اند (صبح صادق ش ۴۷، ۱۳۲۶).

علاوه بر این شواهد دیگری نیز از تلاش عملی انجمنها برای مسلح کردن اعضا و انجام تمرینات نظامی در دست است.\*\*

در این بین ابوالسادات ملقب به سرباز ملت، به نمایندگی از طرف انجمن جنوب، در عریضه‌ای به علمای نجف درباره‌ی وجوب تشکیل «سرباز ملی» سئوالی مطرح کرد (مذاکرات مجلس، همان، ص ۵۰۴).

ظاهراً با رسیدن پاسخ مثبت، جنبه‌ی شرعی تشکیل «سرباز ملی» نیز در نظر گرفته شد. با این احوال این قضیه بطور جدی دنبال نشد. به نظر کسروی موافقت نکردن مجلس و دو رهبر برجسته روحانی (سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی) که تشکیل نیروی مسلح مشروطه خواه را مایه اغتشاش می‌شمردند، مانع از پیشرفت کار گردید (کسروی، همان، ص ۲۳۷).

بعدها، یعنی هنگام کودتای محمدعلی شاه در ژوئن سال ۱۹۰۸، مشروطه خواهان ناچار شدند بهای گزافی برای رویه‌ای که در پیش گرفته بودند، بپردازند. با وجودی که هواداران مشروطه و آزادی در تهران جناح نیرومندی به شمار می‌رفتند، قادر به مقابله جدی با نظامیان محمدعلی شاه نبودند.

\*. ن.ک. به: حبل‌المتین ش ۱۶ و ۱۲، ۱۹۰۷، انجمن ش ۱۰۲، ۱۳۲۵.

\*\* ن.ک. به: یغمایی ۱۳۵۷، ص ۲۸۴-۲۷۹، هاشم محیط مافی ۱۳۶۳، ص ۲۹۴ تمدن ش ۵، ۱۳۲۵.

شماری از انجمنهای آزاد را، در تهران و سایر شهرها، مخالفان تأسیس کرده و خواهان اعاده اوضاع سابق بودند و به صورت آشکار یا نهان به مبارزه با مشروطه خواهان می پرداختند، از این رو چه از نظر انگیزه تشکیل و چه از نظر اهداف و عملکرد تفاوتی به چشم می خورد. تعدادی از این انجمنها مانند انجمن سردارها، انجمن اعیان و انجمن خدمت و انجمن قدس محمودی را رجال و امنای حکومت سابق با و یا بدون تشویق شاه تشکیل دادند. به نظر می آید و رای وابستگی بسیاری از اعیان و امنای دولت سابق به دربار و فرصت طلبیهای فردی، انگیزه گروه مزبور در تشکیل انجمنها، حفظ منافع گروهی و طبقاتی آنها و یا به اصطلاح احتشام السلطنه رئیس وقت مجلس شورای ملی «حفظ کلاه» بود (موسوی، همان، ص ۶۱۳).

برخی دیگر از این قبیل انجمنها را مخالفان مشروطه اعم از روحانیون سنت‌گرا و ناراضی و یا سایر گروهها تأسیس کردند. انجمن اسلامی تبریز، انجمن اسلامی ساری، انجمن آل محمد تهران جایگاه فعالیت روحانیان مخالف مشروطه بود. انجمن فتوت تهران که «مرکب از طبقات اعیان و اشراف و تجار محترم آذربایجان» بود در مخالفت و رقابت با انجمن اتحادیه آذربایجان، که حوزه مهم فعالیت تندروان به شمار می رفت، شکل گرفته بود. سرآخر نیز انجمنهایی بودند که پاره‌ای افراد متعصب یا ماجراجو و نیز اشرار با انگیزه‌های شخصی و یا به تحریک محافل معینی تأسیس کرده بودند. مانند انجمن همت آباد تهران (که به دستور صریح مجلس تعطیل گردید)، انجمن همت و انجمن رضوی در مشهد، انجمن حمایت و حمیت..... نصرت قم و انجمن سراج. نکته حائز اهمیت اینکه به سبب حاکم بودن جو آزادی خواهی بر شهرهای ایران، هیچ یک از انجمنهای مزبور جرأت مخالفت آشکار با اساس مشروطه را در خود نمی دید و بناچار خود را هوادار مشروطه معرفی می کردند.

معاصران و بعدها مورخان از فعالیت انجمنهای غیررسمی و به ویژه انجمنهای تهران به شدت انتقاد کردند. منتقدان و مخالفان انجمنها از افراد گوناگون بودند که در میان آنها از هواداران رژیم پیشین، محافظه کاران، مشروطه خواهان میانه‌رو و حتی تندروان نیز به چشم می خورد. عین السلطنه در یادداشتهای خود از فعالیت انجمنها تحت عنوان «انجمن بازی» یاد نموده است (سالور - افشار، همان، ص ۱۸۵۵).

او که زمینه را برای تبدیل نظام استبدادی به مشروطه فراهم نمی دید دارای نگرشی منفی نسبت به جنبش مشروطه بود و انجمنها را «دکان معتبری» جهت کسب درآمد و نیل به ریاست می خواند (همان، ص ۸۲۸).

مجدالاسلام کرمانی شکست مجلس و مشروطه را نتیجه فعالیت نامیمون انجمنها دانسته

است (مجدالاسلام کرمانی، همان، ص ۴۴).

احتشام السلطنه در یادداشتهای خود از نفوذ افراد سودجو و فرصت طلب در انجمنها سخن می‌گوید (موسوی، همان، ص ۵۹۳).

شرف الدوله نماینده دوره اول مجلس از تبریز در داوری خود درباره انجمنها قائل به نوعی تفکیک در میان آنها شده است: «آن که انجمنهاست از حدود خود تجاوز کردند و بعضی از آنها برای جلب منافع شخصی، هزاران فساد تولید نمودند و بعضی از آنها نیز انصافاً محض رضای الهی در خدمت به وطن زحمت می‌کشند» (ذکاء ۱۳۷۷، ص ۲۲۹).

با این همه وی مشروطه خواهان تندرو را مسؤول شکست مجلس و مشروطیت می‌داند (همان، ص ۲۴۲).

حسین امید نیز باستثنای چند انجمن بقیه را «سیاهی لشکر» می‌داند که با برگزاری «تجمعات احساسات را تحریک و مردم را گرم نگاه می‌داشتند» (وحدنیا ۱۳۶۴، صص ۳۵ - ۳۴).

یک روحانی اصولگرای عصر مشروطه تصویری منفی از انجمنهای مشروطه خواه به دست داده است (تدین ش ۱۴، ۱۳۲۵).

روزنامه روح القدس، از جرائد تندرو صدر مشروطه، در سرمقاله خود تحت عنوان «خطاب به انجمنان یا به جماعت خفتگان» انجمنهای تهران و شیوه عمل آنها را به نحوی عریان نقد کرده و ضعفها و نارساییهای آنها را آشکار ساخته است (روح القدس، ش ۱۶، ۱۳۲۵).

ارزیابی احمد کسروی نیز از انجمنهای تهران چندان مثبت نیست (کسروی ۱۳۴۰، ص ۵۶۹).

فریدون آدمیت با قایل شدن استثنای کارنامه انجمنهای تهران را یکسره منفی ارزیابی کرده، و به ویژه تندروان را در شکست مشروطه اول مسؤول دانسته است (آدمیت بی تا، صص ۱۴۸-۱۳۱).

بی تردید پیروزی نسبتاً سریع جنبش ضد استبدادی، فقدان آگاهی اجتماعی و هرگونه تجربه در زمینه مشارکت سیاسی، شرایط را برای افراطی‌گری در میان ایرانیانی که تا چند ماه قبل فاقد هرگونه حقوق بودند و تنها رعیت بی‌مقدار سلطان محسوب می‌شدند، فراهم می‌کرد.

با این همه به نظر می‌رسد در ارزیابی از کارکرد انجمنها تا اندازه زیادی راه اغراق پیموده شده است. جنبش مشروطه‌خواهی و مشخصاً مجلس اول بدون حمایت فعال انجمنها (چه انجمنهای رسمی و چه غیررسمی) و مطبوعات آزاد قادر به رویارویی با شاه و دربار و هواداران رژیم استبدادی نبود و بسیاری از مصوبات مجلس و توشیح آن به ویژه متمم قانون اساسی که



متضمن حقوق و آزادی‌های مدنی بود و تصمیمات کمیسیون مالی، بدون حمایت فعال انجمنها تحقق نمی‌یافت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مآخذ

- آدمیت، فریدون (بی تا)، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، ج ۲، مجلس اول و بحران آزادی، روشنگران.
- افشار، ایرج (۱۳۷۸)، *نامه‌های تبریز (از ثقة‌الاسلام به مشارالدوله)*، نشر و پژوهش فرزانه، چاپ اول، تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۴۹)، *مقالات تقی‌زاده*، جلد اول، تهران.
- امیرخیزی، اسماعیل (۱۳۴۵)، *قیام آذربایجان و ستارخان*، کتابفروشی تهران.
- بزرگ امید، ابوالحسن (۱۳۳۶)، *از ماست کد برماست (وقایع دوران زندگی مؤلف)*، بی تا، تهران.
- تفضلی، محمود (۱۳۶۲)، *سپهسالار تنکابنی (محمودولی خان خلعتبری)* گردآوری امیرعبدالصمد خلعت‌بری، نوین، تهران.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۸)، *نهضت مشروطیت ایران*، جلد اول، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، تهران.
- دولت‌آبادی، یحیی. *حیات یحیی*، ج ۲، چهر، تهران.
- دیوسالار، علی (بی تا)، *فتح تهران و اردوی برق*، بخشی از تاریخ مشروطیت ایران، مقدمه و اهتمام نزهت دیوسالار، تهران.
- ذکاء، یحیی (۱۳۷۷)، *روزنامه خاطرات شرف‌الدوله*، فکر روز، تهران.
- رابینو، ه. ل. (۱۳۶۸)، *مشروطه گیلان*، به کوشش محمد روشن، چاپ اول، طاعتی، رشت.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۵)، *انجمنهای سری در انقلاب مشروطیت*، علمی، تهران.
- سالور، مسعود و ایرج افشار (۱۳۷۷)، *یادداشت‌های عین السلطنه*، ج ۳، اساطیر، تهران.
- علوی، سیدابوالحسن (۱۳۶۳)، *رجال عصر مشروطیت (به کوشش حبیب یغمایی و ایرج افشار)*، اساطیر، چاپ اول، تهران.
- فتحی، نصرت‌اله (۱۳۵۲)، *زندگی نامه شهید نیکنام ثقة‌الاسلام تبریزی و بخشی از تاریخ مشروطیت ایران*، انتشارات بنیاد نیکوکاری نورانی.
- فتحی، نصرت‌اله (۱۳۵۲)، *مجموعه آثار قلمی شادروان ثقة‌الاسلام شهید تبریزی*، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.

- فرید (قراگزلو)، مسعود (۴۳۵۴)، خاطرات فرید (میرزا محمد علی خان فریدالملک همدانی)، زوار، تهران.
- کسروی، احمد (۱۳۴۰)، تاریخ مشروطه ایران، امیرکبیر، چاپ پنجم، تهران.
- گلریز، سید محمدعلی (۱۳۶۸)، مینو دریا باب‌الجنه قزوین، طه جلد دوم، تهران.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد (۱۳۵۱)، تاریخ انحلال مجلس، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- مذاکرات مجلس (۱۳۲۵)، دوره اول تقنینه، مجلس، تهران.
- ملک‌زاده، مهدی (بی‌تا)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ابن‌سینا، جلد دوم، چاپ دوم، تهران.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۲۵)، زندگینامه ملک‌المتکلمس، علمی، تهران.
- موسوی، سید محمد مهدی (۱۳۶۷)، خاطرات احتشام السلطنه، زوار، چاپ دوم، تهران.
- وحیدنیا، سیف‌اله (۱۳۶۴)، خاطرات و اسناد، وحیدنیا، تهران.
- یغمائی، اقبال (۱۳۵۷)، شهید راه آزادی سیدجمال واعظ اصفهانی، با مقدمه سید محمدعلی جمال‌زاده، توس، تهران.

### دیگر مآخذ

- انجمن (دوره کامل، جریده ملی، انجمن، انجمن تبریز)
- تدوین (دوره روزنامه)
- تمدن (دوره کامل)
- جبل‌المتین (دوره جبل‌المتین، روزنامه روزانه تهران)
- خیرالکلام (خیرالکلام، افصح المتکلمین - رشت)
- رضوانی، محمداسماعیل، اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره قاجار، بررسی‌های تاریخی، خرداد و تیر ۱۳۴۰ صص ۲۹۲ - ۲۵۳.
- روح‌القدس (دوره روح‌القدس، سلطان‌العلماء، تهران)
- صبح صادق (دوره صبح صادق)
- صور اسرافیل (دوره صور اسرافیل، تهران)
- مجلس (دوره کامل)
- ندای وطن (دوره ندای وطن، مجدالاسلام کرمانی، تهران)

- Lambton A.K.S. (1969) *Persian Political Societies*. St. Antony's Papers N.XVI, *Middle Eastern Affairs*, London.



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی